

Research Paper

Feasibility Study of Establishing Private Audio-visual Media based on the Iranian Legal System



Abbas Asadi¹, *HosseinAli Kalhor², Fatemeh Jangjoo Khaljan²

1. Associate Professor, Department of Journalism, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
2. PhD Student, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Use your device to scan and read the article online



Citation: Asadi A, Kalhor HA, Jangjoo Khaljan F. (2020). [Feasibility Study of Establishing Private Audio-visual Media in Parallel With the National Media From the Perspective of the Iranian Legal System (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*; 10(34), 272-293.

ABSTRACT

Privatization in appearance is the process by which the tasks and facilities of the public sector at any level are transferred to the private sector. Privatization, as part of an economic restructuring policy, has been practiced by a small number of industrialized countries since the early 1980s and has spread to other countries. The common goal of privatization in different countries with different conditions and characteristics, including Iran, can be almost nothing but the improvement of economic conditions. Radio and television are among the major industries in Iran that are wholly owned and monopolized by the government. However, according to historical and scientific experiences in the world, the creation of monopolies and special opportunities and rents for real or legal persons in various economic, cultural, social, etc., often leads to negative consequences and huge losses. In this study, an attempt has been made to investigate the possibility of establishing private audio-visual media in line with the national media and in helping to implement the governance goals of the country alongside the national media, in order to clarify the need for the private sector to enter this sector. This research seeks to find the answer to the question of what laws have been enacted by the legal and governing institutions of the country to implement this goal and what are the obstacles and legal solutions regarding the feasibility of establishing private media. Findings of the research, using descriptive-analytical method and collection of library documents, show that the way to deal with the new wave of television aggression is to break the monopoly on television and open the way for private and public sector in this field to far greater potential of the current situation to break the limited capacity of radio and television in producing and broadcasting programs.

Received: 04 Nov 2019

Accepted: 29 Mar 2020

Available Online: 01 May 2020

Keywords:

Audiovisual media, Audio media, Media privatization, National media, Iranian legal system

* Corresponding Author:

HosseinAli Kalhor

Address: Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

E-mail: h.k137020@gmail.com

مقاله پژوهشی

امکان‌سنجی تأسیس رسانه‌های دیداری و شنیداری خصوصی به‌موازات رسانه ملی از منظر نظام حقوقی ایران

عباس اسدی^۱،* حسینعلی کلهر^۲، فاطمه جنگجوی خلجان^۲

۱. دانشیار گروه روزنامه‌نگاری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری، گروه حقوق قضایی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳ آبان ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۰ فروردین ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۹

خصوصی‌سازی در شکل‌های ظاهری عبارت است از فرایندی که طی آن وظایف و تأسیسات بخش دولتی در هر سطحی به بخش خصوصی انتقال داده می‌شود. سیاست خصوصی‌سازی به عنوان بخشی از یک سیاست تعدیل ساختار اقتصادی از اوایل دهه هشتاد میلادی از طرف تعداد معدودی کشور صنعتی به اجرا گذاشته شد و رفته‌رفته به سایر کشورها سرایت پیدا کرد. هدف مشترک خصوصی‌سازی در کشورهای مختلف با شرایط و ویژگی‌های متفاوت از جمله ایران، تقریباً چیزی جز بهبودی اوضاع و شرایط اقتصادی نمی‌تواند باشد. از جمله صنایع بزرگی که در ایران در مالکیت و انحصار تام دولت قرار دارند، رادیو و تلویزیون هستند. این در حالی است که به استناد تجربه‌های تاریخی و علمی موجود در جهان ایجاد انحصار و موقعیت‌های ویژه و رانتی برای شخصیت‌های حقیقی یا حقوقی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و غیره در اغلب موارد پیامدهای منفی و خسارات‌آهنگفتی به دنبال دارد. در این پژوهش سعی شده که امکان تأسیس رسانه‌های دیداری و شنیداری خصوصی در راستای رسانه ملی و در کمک به اجرای اهداف حاکمیتی کشور در کنار رسانه ملی بررسی شود تا در ادامه، ضرورت ورود بخش خصوصی به این بخش روشن شود. این پژوهش در پی یافتن پاسخ این سؤال است که برای اجرای این هدف‌های حقوقی و حاکمیتی کشور چه قوانینی وضع کرده‌اند و موانع و راهکارهای حقوقی در خصوص امکان‌سنجی تأسیس رسانه‌های خصوصی چیست؟ یافته‌های پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اسناد کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که راه مقابله با موج جدید تهاجم تلویزیونی، شکستن انحصار در تلویزیون و گشودن مسیر حضور بخش خصوصی و مردمی در این عرصه است تا پتانسیل به مراتب بیشتری از شرایط فعلی به ظرفیت محدود صدا و سیما برای تولید و پخش برنامه‌ها اضافه شود.

کلیدواژه‌ها:

رسانه دیداری،
رسانه شنیداری،
خصوصی‌سازی رسانه،
رسانه ملی، نظام
حقوقی ایران

* نویسنده مسئول:

حسینعلی کلهر

نشانی: تبریز، دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، گروه حقوق قضایی.

پست الکترونیکی: h.k137020@gmail.com

www.SID.ir

مقدمه

می‌تواند به ایجاد رقابت منجر شود، موضوعی که اکنون در صدا و سیما وجود ندارد. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که با خصوصی شدن رسانه‌ها چه توانمندی‌هایی در حوزه‌های مختلف به وجود می‌آید؟ به نظر می‌رسد با رقابت در تولید برنامه‌ها، ابتکار و خلاقیت به وجود می‌آید و باعث ارتقای کیفیت تولیدات تلویزیونی می‌شود. همچنین واگذاری بخشی از فعالیت‌های رسانه‌ای به بخش خصوصی یا ایجاد بستر برای فعالیت بخش خصوصی متعهد و وفادار به ارزش‌ها، در عرصه رسانه‌های دیداری و شنیداری، افزون بر کاهش هزینه‌های سرسام‌آور و نیروی غیرضروری می‌تواند دریچه‌های نو و سلیقه‌های گوناگون را به فضای رسانه‌ای کشور باز می‌کند و تأکیدی در راستای وجود و همزیستی سلیق گوناگون و اثبات هرچه بیشتر مترقی بودن قانون اساسی است.

چنان‌که می‌توانیم در واگذاری کانال‌های تبلیغاتی و پیام‌های بازرگانی به بخش خصوصی این مورد را به طور ملموس مشاهده کنیم. البته چنین عملکردی هم باید ضابطه‌مند باشد؛ چراکه در همه جای دنیا همین‌طور است (عابدین‌پور، ۱۳۹۴: ۲). با وجود این علی‌رغم مباحث پیش‌گفته، اصل ۴۴ قانون اساسی و نیز اصل ۱۷۵ این قانون که به نحوه اداره صدا و سیما اشاره دارد، هر دو در مورد امکان تأسیس شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی خصوصی و غیردولتی ساکت‌اند و در نتیجه سازمان صدا و سیما کماکان تنها بازیگر انحصاری و بی‌رقیب این میدان است. این در حالی است که به استناد تجربه‌های تاریخی و علمی موجود در جهان، ایجاد انحصار و موقعیت‌های ویژه و رانتی برای شخصیت‌های حقیقی یا حقوقی در عرصه‌های

در ایران صنایع و سازمان‌های متعددی وجود دارد که در اختیار بخش دولتی قرار دارند و تحت‌الشعاع اقتصاد دولتی با تمام ضعف‌ها و نواقص آن هستند. از جمله صنایع بزرگی که در ایران در مالکیت و انحصار تام دولت قرار دارند، رادیو و تلویزیون هستند. رادیو و تلویزیون اصلی‌ترین وسیله ارتباط جمعی دنیاست. هر کس می‌تواند با داشتن رادیو و تلویزیون از همه تحولات جهان در هر ساعت با خبر باشد. از این طریق ملت‌های مختلف جهان با هم پیوند ناگسستنی دارند؛ بنابراین سطح انتظارات مردم به موازات آگاهی‌هایی که از این طریق پیدا می‌کنند بالا می‌رود و مسئولان و حکومتگران هر کشور را وادار می‌کند که با بیداری و هشیاری هر چه بیشتر در جریان امور بمانند و به طور دائم و مستمر مراقب وضع باشند و تدابیری اتخاذ کنند تا مردم را از طریق سازمان صدا و سیما حول یک محور جمع کنند و خواسته‌ها و آمال و آرزوهایشان را با اقداماتی که انجام می‌دهند در یک مسیر قرار بدهند.

شکل‌گیری شبکه‌های خصوصی امری است که کارشناسان و فعالان عرصه رسانه نیز با اشاره به نیازهای ارتقایافته مخاطبان در دنیای امروز، بر لزوم آن تأکید دارند. شبکه‌های خصوصی را باید به عنوان یک واقعیت بپذیریم، اما برای رسیدن به این واقعیت نیازمند برنامه‌ریزی هستیم. با توجه به گستردگی و پیشرفت شبکه‌های مختلف اطلاع‌رسانی و سرگرمی در دنیا می‌توانیم بگوییم که به لحاظ قانونی باید تمهیداتی اندیشیده شود که بتوان بخش خصوصی را بدون هیچ‌گونه نگرانی از بابت خدشه‌دار شدن امنیت و منافع ملی از یک‌سو و شئون شرعی و اخلاقی جامعه از سوی دیگر، وارد عرصه تولید و پخش در رادیو و تلویزیون کرد. ایجاد کانال‌های خصوصی

توسعه خصوصی‌سازی را با تغییر ساخت‌ها، شناخت‌ها، عواطف، رفتارها و تضادها فراهم کنند. همچنین رسانه‌های دیداری، بیشترین نقش را در شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خصوصی‌سازی داشته‌اند. از طرفی، رسانه‌ها می‌توانند بیشترین نقش را در جذب سرمایه‌های خارجی و سپس به ترتیب در میزبانی رقابت‌های بین‌المللی و بازاریابی ورزشی ایفا بکنند.

علیزاده (۱۳۹۵)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقش شبکه‌های تلویزیونی خصوصی در توسعه سیاسی افغانستان» به نقش تلویزیون‌های خصوصی در توسعه سیاسی افغانستان از دیدگاه دانشجویان دانشگاه هرات پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویان دانشگاه هرات نقش تلویزیون‌های خصوصی را در توسعه سیاسی افغانستان زیاد می‌دانند.

صادقی (۱۳۹۳) در کتاب «شکست انحصار؛ نقشه راه تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی»، رسانه‌های دیداری و شنیداری در سازمان صدا و سیما و جمهوری اسلامی ایران را از منظر گوناگون بررسی کرده و تلاش کرده نقشه راه حرکت به سوی تکثر و تنوع ساختاری و محتوایی را به تصویر بکشد. تقریباً هیچ‌کدام از آثار نگاشته‌شده در این زمینه نتوانسته‌اند به طور خاص به امکان خصوصی‌سازی رسانه‌ها در ایران بپردازند، بنابراین این پژوهش سعی کرده این موضوع را در بستر موازین حقوقی بررسی کند.

۱-۱. بیان مسئله

خصوصی‌سازی در ایران با سرعت کم به پیش می‌رود، اما شاید اهداف خصوصی‌سازی گاه مطابق با انتظارات و خواسته‌های مدیران کلان اقتصاد کشور پیش نرفته است و حتی گاهی موانع و نقص‌هایی

مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی در اغلب موارد پیامدهای منفی و خسارات هنگفتی به دنبال دارد (صدری‌نیا، ۱۳۹۴: ۹).

به نظر می‌رسد برای خصوصی شدن رسانه‌ها خصوصاً در عرصه رادیو و تلویزیون به لحاظ تقنینی در این باره خلأیی وجود ندارد و سند چشم‌انداز، قانون اساسی و برنامه‌های توسعه دولت را موظف می‌کند که بخش اجرایی عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را به بخش خصوصی واگذار کند و با تجهیز بخش خصوصی و آماده کردن آن، باعث می‌شود اجرای کار برعهده آن‌ها قرار بگیرد.

۱. ادبیات موضوع

در ارتباط با موضوع این پژوهش برخی از جمله **هاروی فیگن بام (۲۰۱۱)** در مقاله‌ای با عنوان «تناقضات تلویزیون خصوصی در آمریکا» به این نتیجه رسیده است که گسترش کانال‌های تلویزیون باعث ازهم‌گسیختگی بازار آگهی شده و کانال‌های تلویزیونی با کیفیت پایینی ایجاد کرده است.

ویسی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «نیازسنجی تأسیس تلویزیون خصوصی ورزش در ایران و ارائه الگوی مطلوب» عنوان می‌کنند که در نیاز به تأسیس تلویزیون خصوصی ورزش و تأثیرات تأسیس تلویزیون خصوصی ورزش بر انحصار تلویزیون دولتی بین دو گروه اجماع وجود دارد. تأسیس تلویزیون خصوصی ورزش برای ترویج و اعتلای ورزش کشور در سطح جامعه ضروری است.

ظهرایی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «نقش رسانه‌ها در جهاد اقتصادی ورزش قهرمانی» به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه‌ها می‌توانند مسیر

عواملی را داریم که از دو جنبه نظری و کاربردی حائز اهمیت هستند. از نتایج موردانتظار می‌توان به این نکته اشاره کرد: با توجه به اصل ۴۴ که صدا و سیما را انحصاری می‌کند، حتی با رعایت اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز امکان خصوصی‌سازی وجود دارد و در صورت خصوصی‌سازی نیز شورای نظارت صدا و سیما می‌تواند بر صدا و سیما نظارت کند. از نتایج دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که با خصوصی‌سازی این سازمان می‌توان به بهبود وضعیت صدا و سیما امیدوار بود.

۱-۲. تعریف خصوصی‌سازی

عبارت واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی یا در اصطلاح متداول خصوصی‌سازی در ادبیات اقتصادی انگلستان از دهه ۱۹۸۰ مرسوم شده است. از خصوصی‌سازی تعاریف فراوانی ارائه شده که رایج‌ترین آن‌ها به تغییر مالکیت یک مؤسسه دولتی از بخش دولتی به بخش خصوصی اشاره می‌کند. در اغلب موارد خصوصی‌سازی، به مفهوم کلی‌تری اشاره می‌کند که بر اساس آن، به ورود بخش خصوصی به هر گونه فعالیتی که از سوی دولت برای بخش خصوصی ممنوع شده، اطلاق می‌شود، که اصطلاحاً به آزادسازی یا مقررات‌زدایی مشهور شده است.

برخی دیگر خصوصی‌سازی را جزئی از برنامه آزادسازی می‌دانند و معتقدند: یکی از اجزای مهم مجموعه سیاست‌های مربوط به آزادسازی اقتصادی و شاید غامض‌ترین سیاست‌هایی که اعمال آن به زمانی طولانی نیاز دارند، خصوصی کردن مؤسسات دولتی است، خصوصی کردن جزء منطقی تغییر مسیر استراتژی توسعه در جهت تکیه بیشتر به مکانیسم بازار و افزایش بهره‌وری تولید و کاهش اندازه بخش دولتی است» (بهرامی، ۱۳۹۶: ۵۴۸).

در اجرای خصوصی‌سازی بوده است، ولی احساس نیاز در صدا و سیما به خصوصی‌سازی را می‌توان به دلایلی چون نیروی انسانی بیش از حد، پیچیدگی زیاد و بوروکراسی فزاینده دانست. البته به این حجم زیاد نیروی انسانی عامل دیگری مثل ناچابکی را می‌توان اضافه کرد. صدا و سیما جزو موضوعات حاکمیتی است که رئیس آن از سوی رهبری انتخاب می‌شود؛ بنابراین خصوصی کردن به مفهومی که در دنیا وجود دارد به این صورت که افراد بتوانند شبکه‌های رادیو و تلویزیونی ایجاد کنند و خودشان اداره آن را برعهده بگیرند با مصالح نظام جمهوری اسلامی ایران مغایرت دارد. اما واگذاری امور خدماتی صدا و سیما به سازمان خصوصی منعی ندارد، ولی امور حاکمیتی آن را نمی‌توان به بخش خصوصی واگذار کرد؛ چراکه وحدت ملی ما در گرو رسانه ملی است. درواقع این پژوهش در راستای پاسخ به این سؤالات است: آیا با توجه به اصول ۱۷۵ و ۴۴ قانون اساسی امکان خصوصی‌سازی در صدا و سیما وجود دارد یا خیر؟ آیا ایجاد کانال‌های خصوصی می‌تواند به ایجاد رقابت با سازمان صدا و سیما منجر شود؟ آیا خصوصی‌سازی در حال حاضر بر بهبود عملکرد واقعی صدا و سیما اثر مثبت دارد یا خیر؟

به نظر می‌رسد واگذاری صدا و سیما به بخش غیردولتی روند رو به رشدی در جهت تأمین سلايق گوناگون طی کند و با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی می‌توان از مشکلات دامن گیر صدا و سیما از جمله بزرگ بودن سازمان، نیروی انسانی زیاد، مدیریت ضعیف منابع مالی و غیره به نحو چشمگیری کم کرد.

به نظر می‌رسد کوچک شدن ساختار سازمانی صدا و سیما بعد خصوصی شدن، موجب بالا رفتن کارایی سازمان شود. در این پژوهش، ما قصد بررسی

دستیابی به پاسخ این سؤال، ضرورت دارد ابتدا تعریفی از رادیو و تلویزیون خصوصی ارائه شود.

۱-۳. رادیو و تلویزیون خصوصی در ایران

رادیو و تلویزیون خصوصی یعنی هر رادیو و تلویزیونی که به لحاظ مالی و حقوقی و یا به هر شکلی به صدا و سیما جمهوری اسلامی وابسته نیست. حتی برخی بر این باورند که «در اینجا حتی بودجه و چگونگی تأمین آن هم مهم نیست. ممکن است بودجه از طریق دولت تأمین شود. این خللی به خصوصی بودن شبکه نمی‌رساند. بی‌شک حتی حرکت برخلاف قاعده حکومت، نظام یا دولت هم نمی‌تواند مورد نظر باشد؛ چراکه بسیاری از طرفداران پر و پا قرص تلویزیون خصوصی در ایران یا خود به نوعی از دولتمردان هستند یا در کل از وابستگان و وفاداران به نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند و به هیچ عنوان نمی‌توان به آن‌ها حتی واژه اپوزیسیون را اطلاق کرد. پس ظاهراً تنها چیزی که مورد توافق است این است که تلویزیون خصوصی در ایران یعنی تشکیلاتی جدا از تشکیلات صدا و سیما و حتی نه مقابل یا منتقد آن که توسط افراد و بخش خصوصی اداره می‌شود» (سیف‌پور: به نقل از بهرامی، ۱۳۹۶: ۵۵۱).

ایده تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی در ایران به دهه هفتاد خورشیدی بازمی‌گردد که در آن زمان از سوی برخی روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب مطرح شد. آن‌ها برای توجیه نظرات خویش، به خطر گسترش شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای تمسک جسته و فعالیت شبکه‌های خصوصی تحت نظارت حکومت را نزدیک‌تر به حفظ مصالح و امنیت کشور معرفی می‌کردند. بخشی از اصولگرایان نیز برای افزایش ظرفیت رقابتی رسانه‌های داخلی در برابر شبکه‌های

با این حال، می‌توان گفت خصوصی‌سازی شامل مجموعه عملیات حقوقی و اقتصادی، برای انتقال دارایی‌ها و فعالیت‌های عمومی به افراد جهت استفاده خصوصی از آن‌ها توسط یک یا چند شخص حقیقی یا حقوقی است. به بیان دیگر، خصوصی‌سازی عبارت است از مجموعه عملیات حقوقی، اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر کاهش و حتی حذف سرکردگی دیوان‌سالاری و تکنوکراسی اداری در مؤسسات بخش عمومی (شمس، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۳).

به طور کلی سه رویکرد نسبت به فرایند خصوصی‌سازی وجود دارد. رویکرد نخست، مقررات‌زدایی یا به عبارتی حذف کنترل دولت بر عرصه خصوصی کالاها و خدمات است، رویکرد دوم به خصوصی‌سازی، عقد قرار داد با بخش خصوصی است. این رویکرد دوم، در ایالات متحده آمریکا در ابعاد گسترده‌ای تعقیب شده و اکنون در تمامی سطوح اجرا می‌شود. سومین رویکرد، منطقی‌سازی روش‌های مختلف خصوصی‌سازی است که در فعالیت‌های اقتصادی دنیای سرمایه‌داری ریشه دارند و در کشورهای در حال توسعه به عنوان مدلی از کشورهای توسعه‌یافته منعکس شده‌اند (Claude, 2009: 198). آنچه در ایران در زمینه خصوصی‌سازی انجام می‌گیرد، رویکرد سوم است که به این شیوه‌ها دنبال می‌شود: عرضه عمومی سهام؛ فروش خصوصی سهام؛ تزریق سرمایه به بخش خصوصی؛ سازمان‌دهی مجدد در قالب واحدهای کوچک‌تر؛ فروش سهام به مدیران یا کارکنان و اجاره واحدها به بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری مشترک و غیره (بهرامی، ۱۳۹۶: ۵۵۰-۵۵۱).

با این اوصاف، این سؤال مطرح می‌شود که آیا رادیو و تلویزیون می‌تواند به یکی از طرق پیش‌گفته به بخش خصوصی واگذار شود یا خیر؟ در راستای

اختیار رادیو و تلویزیون دولتی ایران قرار می‌دهد. بر اساس ماده هفتم اساس‌نامه صدا و سیما جمهوری اسلامی، «تأسیس فرستنده و پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی در هر نقطه کشور در انحصار این سازمان بوده و چنانچه اشخاص حقیقی و حقوقی اقدام به تأسیس یا بهره‌برداری از چنین رسانه‌هایی کنند از ادامه کار آنان جلوگیری به عمل آمده و تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت» (معمدنژاد، ۱۳۸۳: ۵۲-۶۲).

مجلس‌های ششم و هفتم برای اصلاح این ماده از اساس‌نامه صدا و سیما تلاش‌هایی کردند که به نتیجه نرسید. البته دو فوریت طرح «اصلاح قانون اداره و نظارت بر صدا و سیما» در مجلس هشتم به تصویب رسید، اما هیچ‌گاه به مرحله بررسی نهایی نرسید.

موافقان اما با اشاره به تحولات فناوری‌های ارتباطی، بر این باورند که تعریف قانون اساسی جمهوری ایران درباره صدا و سیما کمی ابهام‌آمیز است و مشخص نیست که آیا صدا و سیما حق نظارت بر رادیو تلویزیون‌های اینترنتی را هم دارد یا خیر؟

۱-۵. ضرورت‌های ایجاد رادیو و تلویزیون‌های خصوصی

شکل‌گیری ساختارهای بنیادین برای توسعه ملی «متوازن»، «پایدار» و «همه‌جانبه» در آغاز، بدون سرمایه‌گذاری‌ها و ایفای نقش فعال توسط دولت‌ها ممکن نیست، ولی در ادامه راه، بخش‌های عمومی و خصوصی نیز باید به کمک دولت بیایند. تمسک عموم دولت‌ها به جریان خصوصی‌سازی و دادن اختیار و مسئولیت به بخش خصوصی دقیقاً با همین نگرش صورت می‌گیرد. توسعه رسانه‌ها نیز از این قاعده مستثنا نیست و حاکمیت سیاسی اگر برای اداره جامعه و رتق و فتق امور به سرمایه، نیروی کار و

فارسی خارج از کشور از طرح رادیوها و تلویزیون‌های خصوصی دفاع می‌کردند.

با این حال، برای اولین بار پس از انقلاب، تلاش جدی برای راه‌اندازی شبکه خصوصی تلویزیونی، به انتخابات نهمین دوره ریاست‌جمهوری بازمی‌گردد. در آن هنگام مهدی کروبی، یکی از کاندیداهای این دوره که نتیجه نهایی را به محمود احمدی‌نژاد واگذار کرده بود، اعلام کرد که می‌خواهد به‌زودی یک شبکه تلویزیون خصوصی راه بیندازد. بهروز افخمی، نماینده دوره ششم مجلس مسئول راه‌اندازی این شبکه معرفی شد. اما این اقدام مخالف قانون اساسی تفسیر شد و عقیم ماند. در آستانه انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری ایران نیز ستاد تبلیغاتی میرحسین موسوی، اقدام به راه‌اندازی تلویزیون اینترنتی کرد که شورای نگهبان آن را خلاف قانون اساسی تشخیص داد و «کارگروه مصادیق مجرمانه» دستور فیلترینگ آن را صادر کرد.

علاوه بر آن، در چند سال گذشته، تلاش‌هایی برای راه‌انداختن شبکه‌های خصوصی از سوی دولت نیز شنیده شده است؛ مثلاً در سال ۱۳۹۰ یکی از دستورکارهای دولت وقت، راه‌اندازی یک شبکه خصوصی با نام نوروز بود که قرار بود با همکاری سه کشور فارسی‌زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان تأسیس شود، که به دلایل مختلف از جمله سیاسی هیچ‌گاه عملیاتی نشد.

۱-۴. مخالفان و موافقان تأسیس شبکه‌های تلویزیونی خصوصی

مخالفان تأسیس شبکه‌های تلویزیونی خصوصی در ایران، برای ابراز مخالفت خود به اصلی در قانون اساسی اشاره می‌کنند که به گفته آن‌ها پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی را تنها در

به سوی رسانه‌های داخلی از یکسو و پاسخ به دلایل مخالفان تلویزیون خصوصی از سوی دیگر ضرورت ایجاد تلویزیون خصوصی را گوشزد می‌کند. برخلاف تحلیل‌ها با تلویزیون خصوصی می‌توان افکار عمومی را بیشتر از قبل تحت کنترل درآورد و کسب درآمد بیشتری برای صدا و سیما ایجاد کرد.

۱-۶. ضرورت‌های ایجاد رادیو و تلویزیون‌های خصوصی از دیدگاه اسلام

رویکرد کلی دین اسلام که مبارزه با جهل و بی‌اطلاعی را به عنوان جهت‌گیری اصلی خود در اصلاح جامعه برگزیده است، موجب شده در مبانی اسلامی، اطلاع‌رسانی و جریان آزاد اطلاعات با تأییدات متعددی همراه شود. مهم‌ترین دلیل ضرورت تکثیر رسانه‌ای و ایجاد شبکه‌های خصوصی از دیدگاه اسلام، بشارت قرآن کریم برای کسانی است که دیدگاه‌های گوناگون را می‌شنوند و سپس بهترین آن‌ها را برمی‌گزینند. به علاوه، موضوع جریان آزاد اطلاعات و تکثیر اطلاعات و اخبار، مورد توجه ویژه دین اسلام قرار دارد: «مسئله تولید، نشر و عرضه اخبار و اطلاعات، از مصادیق افعال مباح شمرده می‌شود و علی‌الاصول جریان آزاد اطلاعات مورد منع شارع نیست» (فخار طوسی، ۱۳۸۵؛ ۶۳)؛ بنابراین، تأیید اصل جریان آزاد اطلاعات می‌تواند تأیید تکثیر رسانه‌ای نیز تلقی شود.

۱-۷. روش‌های تأسیس رادیو و تلویزیون

در رابطه با روش‌های تأسیس سه شیوه مختلف از سوی صاحب نظران پیشنهاد شده است: شیوه نخست که سریع و سهل‌الوصول به نظر می‌رسد، استفاده از ظرفیت فعلی صدا و سیما در قانون اساسی برای شکستن انحصار در فعالیت است. در

قدرت مدیریت عموم مردم - از هر گروه و صنفی - رو نکند، درنهایت دچار مشکلات خواهد شد. (محمدی، ۱۳۷۹؛ ۱۰۵)؛ بنابراین به مهم‌ترین فواید شبکه‌های خصوصی در کنار رسانه ملی چنین اشاره کرد:

الف) جذب توده‌ها: برخلاف انتظار و تخمین‌هایی که مقامات جمهوری اسلامی نسبت به شبکه‌های خصوصی دارند، ایجاد شبکه‌های خصوصی موجب جذب بیشتر مردم به سوی اهداف و روش‌های حاکمیت خواهد شد. در صورتی که شبکه‌های خصوصی ملزم به اجرای قوانین جمهوری اسلامی باشند و بدانند با تخطی از آن دچار زحمت و تعطیلی خواهند شد، آن‌گاه به گونه‌ای عمل خواهند کرد که با استانداردهای موجود و البته خلاقیت ناشی از رقابت درونی، برنامه‌هایی جذاب را تحویل مخاطب دهند.

ب) افزایش کیفیت در نتیجه همکاری و رقابت درونی: وضعیت فعلی شبکه‌های صدا و سیما به وضعیت انحصاری در صنعتی می‌ماند که تنها یک بازیگر در حال حاکمیت بوده و در بهترین حالت توانسته چندین کارخانه مختلف برای خود ایجاد کند. چطور است در هیچ صنعت دیگری چنین انحصاری جواب نداده و نمی‌دهد اما در صنعت رسانه این اتفاق می‌افتد و باید بیفتد؟

با انتشار شبکه‌های خصوصی رقابت ایجادشده بین آن‌ها و شبکه‌های دولتی قطعاً موجب بهبود کیفیت برنامه‌ها در تمامی زمینه‌ها شده و این کیفیت مناسب‌تر، جذب مشتریان بیشتری را به همراه داشته و درنهایت با ثابت بودن زمان تماشای تلویزیون، مردم وقت کمتری برای مشاهده برنامه سایر شبکه‌ها را داشته و کمتر از دیگران تأثیر خواهند پذیرفت. در نتیجه می‌توان گفت ضرورت جذب مردم

را در پرده ابهام می‌برد، اما تبدیل این موضوع به قانون و فراهم کردن زمینه رسمی و عمومی فعالیت بخش خصوصی در حوزه رادیو و تلویزیونی احتمال تحقق آن را جدی‌تر خواهد کرد.

شیوه سوم با محوریت مجمع تشخیص مصلحت است. در این شیوه، این مسئله به صورت بنیادی‌تری حل می‌شود. تزاخم تفسیر شورای نگهبان از اصل ۴۴ قانون اساسی در زمینه انحصار سازمان صدا و سیما در حوزه رادیو و تلویزیون، یا باید از طریق تغییر قانون اساسی حل شود و یا مشابه سایر موارد انحصار در اصل ۴۴، با ابلاغ سیاست‌های کلی نظام توسط مقام رهبری و استفاده از اختیارات اصل ۱۱۰ قانون اساسی. در این شیوه، بر تدوین سیاست‌های کلی نظام در حوزه رسانه یا تکمیل سیاست‌های کلی اصل ۴۴ با تعمیم حوزه رادیو و تلویزیون به آن‌ها تأکید می‌شود.

در صورت رخ دادن چنین اقدامی، مسئله تزاخم رادیو و تلویزیون خصوصی با قانون اساسی حل خواهد شد و سپس قانون تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و اجرا شود. مزیت این شیوه در جامع بودن و ثبات آن است. در هر سه این شیوه‌ها تأسیس شبکه‌های دولتی متعلق به نهادهای عمومی غیر از صدا و سیما می‌تواند به عنوان اقدامی جهت آزمودن و آماده‌سازی فضا جهت تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی انجام شود (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

۸-۱. مشکلات رادیو و تلویزیون‌های خصوصی

در این قسمت ابتدا اشاره‌ای کلی به مشکلات ظاهری و درونی کرده و سپس در ادامه موانع و چالش‌های ایجاد شبکه‌های خصوصی را بررسی خواهیم کرد.

این روش، بخش خصوصی نه به موازات سازمان صدا و سیما، بلکه تحت نظارت و اشراف کلی آن اقدام به تأسیس تلویزیون خصوصی می‌کند و سازمان صدا و سیما خود متکفل صدور مجوز و نظارت بر فعالیت رادیو و تلویزیون خصوصی خواهد شد تا این اقدام خارج از سازمان صدا و سیما تلقی نشود و نقض اصل ۴۴ قانون اساسی به شمار نیاید. در این مدل، سازمان صدا و سیما به دو بخش بدنه اجرایی که در حال حاضر به فعالیت و تصدی مشغول است و رأس مدیریت که متشکل از رئیس این سازمان (منصوب مقام رهبری) است، تقسیم می‌شود و شورای نظارت علاوه بر مدیریت عالی صدا و سیما، متولی اعطای مجوز و نظارت بر شبکه‌های رادیو و تلویزیون خصوصی خواهد بود. بر اساس این روش، می‌توان برون‌سپاری بخشی از یک شبکه و در گام بعد، کل یک شبکه به بخش خصوصی را بدون نیاز به قوانین جدید مورد توجه قرار داد و امکان تأسیس شبکه‌های خصوصی جدید نیز در قالب آیین‌نامه‌های مصوب سازمان صدا و سیما ممکن خواهد بود.

شیوه دوم تأسیس شبکه‌های تلویزیونی با تصویب قانون توسط مجلس شورای اسلامی است. بر اساس این شیوه، مجلس شورای اسلامی با تصویب قانونی که فعالیت شبکه‌های تلویزیونی خصوصی را ممکن می‌کند، چگونگی و حدود فعالیت آن‌ها را مشخص خواهد کرد. در صورتی که این قانون به تصویب شورای نگهبان برسد، اجرایی خواهد شد و شبکه‌های تلویزیونی خصوصی آغاز به فعالیت می‌کنند. ویژگی مهم این شیوه، ایجاد تضمین برای اجرایی شدن موضوع به صورتی جدی است؛ چراکه واگذاری ایجاد شبکه‌های خصوصی به سازمان صدا و سیما به دلیل عدم تمایل طبیعی مسئولان این سازمان به ایجاد رقیب برای سازمان خود، اجرای کارآمد و سریع آن

۱-۱-۸. مشکلات ظاهری ایجاد شبکه‌های خصوصی

مخالفتان ایجاد شبکه‌های خصوصی دلایلی را مطرح می‌کنند که می‌توان آن‌ها را در دو بخش خلاصه کرد. اولین بخش دلایل ظاهری هستند که بر زبان مخالفتان جاری است. دلایل دسته دوم دلایلی هستند که بر زبان جاری نمی‌شوند، ولی در نهاد و درون مخالفتان این موضع جاری هستند. در آخر اشاره‌ای به دلایل و مشکلات قانونی نیز شده است.

الف) عدم وجود قابلیت برای شبکه‌های خصوصی: این دلیل بیش از این طرفداران زیادی داشت، ولی در حال حاضر اساس خود را از دست داده است. در این دلیل بیان می‌شود که قابلیت برای ایجاد شبکه‌های خصوصی وجود نداشته و این کار به خاطر هزینه‌های بسیار بالا تنها یک راه را پیش‌روی بخش خصوصی قرار می‌دهد و آن استفاده از ماهواره و کرایه کردن فضای آن است.

در این استدلال بیان می‌شد که با صدور مجوز برای شبکه‌های خصوصی ایرانی و با قوانین داخلی به مردم این پیام را داده‌ایم که می‌توانید از ماهواره استفاده کنید تا این شبکه‌ها را ببینید و این یعنی حواله دادن بینندگان به سمت رقیب؛ چون مردم در این حالت از سایر شبکه‌ها نیز توفیق اجباری کسب خواهند کرد.

ب) دلیل دیگر برای عدم مجوز این است که گفته می‌شود شبکه‌های خصوصی ممکن است برنامه‌های نامناسب یا اخبار خلاف بدهند. چنین نگرانی‌ای نمی‌تواند جدی باشد چون در این حالت با وضع قانونی برای شبکه‌های خصوصی می‌توان همانند نشریات آن‌ها را نیز کنترل کرد.

۱-۱-۲. مشکلات درونی ایجاد شبکه‌های خصوصی

این مشکلات بر زبان مخالفتان جاری نمی‌شوند اما به آن فکر می‌کنند. دلیل مخالفت آن‌ها به قرار زیر می‌باشد:

الف) انحصار قدرت رسانه‌ای: به نظر می‌رسد یکی از دلایل مخالفتان حس لذت‌بخش ایجاد انحصار قدرت است. این استدلال از این امر غافل می‌ماند که با ایجاد این انحصار کیفیت برنامه‌ها و اخبار پایین آمده و رضایت مردم روز به روز کاهش می‌یابد. اتفاقاً باید به این افراد نوید داد که با ایجاد شبکه‌های خصوصی و دادن نظارت آن‌ها به صدا و سیما و حکومت، قدرت بیشتری در اختیار آن‌ها خواهد بود. قدرتی که از اعمال مستقیم به غیرمستقیم تبدیل شده است.

ب) دشواری و عدم توانایی رقابت: با ایجاد شبکه‌های خصوصی صدا و سیما دولتی نخواهد توانست هر چه را که می‌خواهد به خورد مردم دهد. در این حالت در همان فضای یکسان دیجیتال مردم از آن روی گردان شده و به سوی دیگران رهنمون می‌شوند. چنین عاملی یعنی در این حالت صدا و سیما باید زحمت بیشتری بکشد، خرج بیشتری بکند و در جذب آگهی نیز به مشکل می‌خورد؛ این یعنی فرار از کوشش و تلاش برای ادامه بقا با انحصار و راحت‌طلبی.

در کل مهم‌ترین موانع تأسیس تلویزیون خصوصی در ایران را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. تاریخ‌مندی یا سنت‌گرایی: مسئولان به وجود ساختار موجود عادت کرده‌اند و تصور شبکه‌های خصوصی برای آن‌ها دشوار است، به‌خصوص این نگرانی در حوزه امنیتی تأثیرگذارتر است. به دلیل

طور نمونه، بنابر مصوبه کمیسیون مستقل تلویزیونی بریتانیا، حدود دقیق فعالیت بازرگانی برای تلویزیون فعال در این کشور مشخص شده است. در مجموع می‌توان گفت هیچ‌یک از موانع موجود در مسیر تشکیل رادیو و تلویزیون خصوصی در کشور دارای دلایل منطقی و مبتنی بر ادله فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیتی نیست و وضعیت انحصار موجود، حاصل تجربه و تدبیر مسئولان وقت در دهه‌های گذشته است و تمام نگرانی‌ها و آسیب‌های احتمالی با اتکا به روش‌های عقلایی و تجربیات دیگر جوامع قابل رفع است. در کل می‌توان گفت تأسیس تلویزیون خصوصی در کنار صدا و سیما یکسری مزایا و معایب دارد.

۱-۹. نظام حقوقی فرانسه در زمینه تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی

در فرانسه طبق قانون مصوب ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی مجاز دانسته شده و در عین حال، نظارت بر تأسیس آن‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. در این قانون مسائل مربوط به صدور پروانه و سایر مباحث حقوقی مربوط به آن از جمله محدودیت‌های کلی تمرکزگرایی مورد بحث قرار گرفته است.

بر اساس ماده ۲۸ قانون مذکور «صدور پروانه‌های استفاده از منبع رادیو الکترونیک برای هر رسانه از راه امواج، به غیر از منابع مورد استفاده شرکت‌های ملی تولید برنامه، مستلزم انعقاد قرارداد میان شورای عالی رسانه‌های سمعی و بصری به نام دولت و شخص متقاضی پروانه است.» (Derieux, ۲۰۰۱: ۱۰). باید توجه داشت که چنین پروانه‌هایی که بر اساس الزامات فنی ناشی از تعداد فرکانس‌های موجود (که محدود است) حداقل برای رادیو و تلویزیونی

آنکه کنترل رسانه‌ها امری مهم برای امنیت ملی به شمار می‌رود. برخی تکرار را با عدم کنترل مساوی می‌انگارند. با در نظر گرفتن نقش کارشناسی و نظارتی دولت، می‌توان این عرف رایج را نیز تغییر داد.

۲. اقتصاد بیمار رسانه‌ای کشور: فقدان مقررات و امنیت لازم برای راه‌اندازی شبکه‌ها باعث شده است حتی اگر موانع قانونی و عرفی برداشته شوند، گروه‌ها و شرکت‌های علاقه‌مند، سرمایه لازم را برای راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی در اختیار نداشته باشند. همچنین تزریق بودجه و اعطای کمک‌های بلاعوض از سوی دولت به شبکه‌های دولتی، رقابت با آن‌ها را دشوار کرده است.

۳. حاکمیت فرهنگ دولت‌گرایی بر مسئولان دولتی: تنوع شبکه‌ها و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی چیزی جدا از روند جاری و حاکم بر اقتصاد کشور و سیاست‌های آن نیست. خصوصی‌سازی در دیگر بخش‌ها (آموزش، صنعت، بهداشت و غیره) به جریان شبکه‌های خصوصی تلویزیونی یاری می‌رساند.

۴. مبالغه در قدرت رسانه‌ها و تأثیر آنها: «اگر رسانه‌ها را موجد یا از میان‌برنده نگرش‌ها و رفتارها بدانیم، ترس و واهمه از آن‌ها قوت می‌گیرد و هر نظام سیاسی‌ای به واسطه این نگرانی، رسانه‌ها را نیز همانند تجهیزات نظامی و اتمی در انحصار خویش قرار می‌دهد (محمدی، ۱۳۷۹: ۱۴۶). در اکثر کشورهای پیشرو در سطح رسانه، با تصویب قوانین و تعیین استانداردهای لازم و دقیق برای فعالیت رسانه‌ها زمینه سوءاستفاده و سودجویی را برای فعالان عرصه رسانه‌ای خارج از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی آن جامعه مسدود می‌کنند. به

در این منطقه (Derieux, 2007: 14-16).

به طور کلی باید گفت که بر اساس قانون مصوب ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶، تأسیس و فعالیت رادیو و تلویزیون خصوصی در فرانسه تحت نظارت امکان‌پذیر است= که این امر در هماهنگی با اصل آزادی رسانه‌ها سمعی و بصری در این کشور محل تأمل است.

۱-۱. تحلیل موضع حقوقی ایران در قبال تأسیس رادیو و تلویزیون‌های خصوصی

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن سال ۱۳۵۷ به ایجاد تحولاتی اساسی در زمینه‌های مختلف منجر شد. از جمله آن‌ها، دگرگونی در عرصه رادیو و تلویزیون، به دلیل گستردگی شعاع تأثیر و بازتاب آن در جامعه و جایگاه ویژه‌اش در میان افکار عمومی بود. در پی این دگرگونی، به نظام حقوقی حاکم بر رادیو و تلویزیون در اصل ۱۷۵ قانون اساسی توجه شد:

الف) قانون اساسی سال ۱۳۵۸: اصل ۱۷۵ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ در خصوص صدا و سیما این‌گونه موضع‌گیری کرده بود (نظارت نمایندگان قوای سه‌گانه در قالب شورای نظارت بر امور سازمان، نافعی مسئولیت سازمان در برابر شورای یادشده نیست)؛ این در حالی است که در اصل ۴۴، رادیو و تلویزیون متعلق به بخش دولتی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران عنوان شد که می‌باید با مدیریت مشترک قوای سه‌گانه مقرر در اصل ۱۷۵ اداره شود. مراجعه به مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی حاکی از آن است که هدف از تصویب مشترک سه قوه، از سویی نظارت و مدیریت مردم از طریق نمایندگان خود و از سویی دیگر مدیریت اجرایی قوه مجریه بوده است. شورای عالی قضایی نیز با توجه

قابل توجه است، احتمال دارد برای دیگر رسانه‌ها ضرورت نداشته باشد (Regourd, 2001: 350). همچنین، طبق این قانون، متقاضیان تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی ملزم به شفافیت مالی شده‌اند و حتی واگذاری پروانه به متقاضیانی با اسم مستعار ممنوع شده است. در ماده ۳۵ این قانون «استفاده از نام مستعار برای خرید یک سهم از سرمایه یک شرکت داوطلب دریافت پروانه رسانه سمعی و بصری خصوصی یا دارنده چنین پروانه‌هایی ممنوع شده است (Derieux, 2002: 14). در ماده ۱-۴۱ قانون یادشده به تکثیرگری در سطح ملی توجه شده و در راستای جلوگیری از آسیب رسیدن به آن، محدودیت‌هایی نیز در نظر گرفته شده است. بر اساس این ماده، صدور پروانه برای تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی (به صورت آنالوگ یا دیجیتال) یا برای شبکه رادیو و تلویزیون کابلی، در سه مورد ممنوع است: ۱. دارا بودن یک یا چند پروانه برای تلویزیون برای جمعیت بیش از چهار میلیون نفر؛ ۲. دارا بودن یک یا چند پروانه شبکه رادیویی برای جمعیت سی میلیون نفر؛ ۳. داشتن شرکتی که دارای یک یا چند نشری روزانه خبری سیاسی و عمومی است که بیش از بیست درصد انتشار کل این نشریات را به خود اختصاص داده باشد. همچنین در راستای جلوگیری از آسیب رسیدن به کثرت‌گرایی در سطح استانی نیز در مواد ۲-۴۱ و ۱-۴۱-۲ قانون یادشده محدودیت‌هایی ذکر شده که عبارتند از: ۱. دارا بودن یک یا چند پروانه شبکه تلویزیون سراسری یا استانی در یک منطقه خاص؛ ۲. دارا بودن یک یا چند شبکه سراسری یا استانی رادیویی که مخاطبان آن در منطقه خاص بیش از ده درصد مجموع مخاطبان بالقوه همین نوع شبکه‌ها در همان منطقه باشد؛ ۳. دارا بودن یک یا چند نشریه روزانه خبری سیاسی و عمومی سراسری یا استانی منتشره

به این ترتیب، ریاست سازمان منصوب مقام رهبری است و در نتیجه در مقابل ایشان مسئولیت دارد (بهنیا و محمدعلی پور، ۱۳۸۵؛ ۱۲۵). از دیگر سو، نظارت نمایندگان قوای سه‌گانه در قالب شورای نظارت بر امور سازمان، نافی مسئولیت سازمان در برابر شورای یادشده نیست.

با وجود مراتب یادشده، موضوعی که در بازنگری قانون اساسی درباره سازمان صدا و سیما به آن توجه نشده است، جایگاه و نقش اقشار مردمی در مدیریت و عضویت در صدا و سیماست. مسئله فعالیت بخش خصوصی در راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و مدیریت بر آن‌ها نیز از دیگر موضوعات مسکوت در این قانون است. به نظر می‌رسد بازنگری قانون اساسی به دنبال منسجم کردن مدیریت بر صدا و سیما بوده است تا اختلاف سلیقه‌ها و پراکندگی راهبردها بر سیاست‌های کلان این سازمان لطمه‌ای وارد نکند. در واقع بحث بر سر فعالیت بخش خصوصی در راه‌اندازی شبکه‌های رادیو و تلویزیونی نه تنها در دستور کار شورای بازنگری قرار نداشت، بلکه با توجه به فضای حاکم و شرایط طاقت‌فرسای ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی، از اولویت‌های کشور محسوب نمی‌شد. بنابراین سکوت قانون اساسی را نمی‌توان به معنای موضع منفی آن نسبت به این مقوله دانست (هریسی نژاد و انصاری، ۱۳۹۳؛ ۲۷۷-۲۷۹).

اصل ۴۴ قانون اساسی که اشاره بر مشارکت بخش خصوصی در امور را دارد، چندی است که بصورت قانون اجرایی در آمده و مراحل اجرایی شدن کامل آن در کشور به تدریج در حال پیگیری است، اما هنوز در عمل سازمان صدا و سیما جزو آن دسته از نهادهای دولتی محسوب می‌شود که قانون آن را از این فرایند خصوصی‌سازی مستثنا می‌داند.

به شأن قضات و صلاحیت‌های خاص آنان در این مدیریت در نظر گرفته شده بود.

ب) بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸: قانون اساسی ۱۳۵۸ به دلیل دگرگونی‌های سریع ناشی از انقلاب اسلامی در کوتاه‌ترین زمان به تصویب رسید. تردیدی نیست که سرعت در تصویب چنین قانون بنیادینی که کلیه شئون و امور جامعه بر پایه آن استوار شد، بدون اشکال و ایراد نمی‌توانست باشد. تجربه عملی ناشی از اجرای قانون اساسی نشان داد که با مدیریت غیرمنسجم، امور به‌درستی سامان نیافته، مسئولیت‌ها لوٹ می‌شود. یکی از مصادیق بروز تداخل در وظایف و اختلاف، نوع مدیریت حاکم بر سازمان صدا و سیما بود. بر همین اساس و برخلاف پیش‌بینی نشدن مسئله بازنگری در قانون اساسی، امام خمینی (ره) در ۱۳۶۸/۲/۴ طی حکمی به رئیس‌جمهور وقت، دستور لازم را در خصوص شورای بازنگری، شیوه بازنگری و موضوعات مربوط به بازنگری صادر کردند (هاشمی، ۱۳۶۹؛ ۱۶۴).

مسئله تمرکز در مدیریت صدا و سیما به صورتی که قوای سه‌گانه بر آن نظارت داشته باشند، از جمله موضوعات دستور کار شورای بازنگری قانون اساسی بود که به اصلاحاتی در اصل ۱۷۵ انجامید و این اصل به شرح زیر تغییر یافت:

«در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین شود. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی هر کدام دو نفر، نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.»

شد؛ موسوی، یکی از اعضا، اظهار کرد: «بر اساس مطالعاتی که اخیراً راجع به سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و رسانه‌های جمعی کرده‌ام، اگر بخواهیم رسانه‌های جمعی را صددرصد با سرمایه‌های دولتی گسترش دهیم، به طور حتم ضربه خواهیم خورد و قدرت هم‌اوردی با ده‌ها و صدها کانال در سطح جهان در رابطه با مسائل فرهنگی و آموزشی را نخواهیم داشت؛

بنابراین امکان ایجاد صدا و سیماهایی را که با نظارت سه قوه و نظارت نظام جمهوری اسلامی که دست از پا خطا نکنند و برنامه‌هایشان به تأیید یک مرجع برسد، باید داشته باشیم تا صدا و سیما را با سرمایه‌هایی غیر از سرمایه دولتی هم در کشور گسترش دهیم؛ شبیه جراید، منتها سفت و سخت‌تر و محکم‌تر از نظر چارچوب‌ها. اگر در زمینه سیاسی هم احساس خطر می‌شود، حداقل در زمینه آموزشی و فرهنگی چنین تصمیمی را باید بگیریم، وگرنه یک صدا و سیما خواهیم داشت حداکثر با دو کانال و مواجه خواهیم بود با ده‌ها کانالی که ما را محاصره خواهند کرد». اگرچه در اصل ۴۴ قانون اساسی تنها به دولتی بودن رادیو و تلویزیون اشاره شده است، تفسیر شورای نگهبان از این اصل موجب شد راه‌اندازی شبکه‌های رادیو و تلویزیون خارج از صدا و سیما توسط دستگاه‌های دولتی ممنوع تلقی شود.

د) موضع قوانین عادی در قبال رادیو و تلویزیون خصوصی: از آنجا که اصل ۴۴، بخش دولتی را شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ و رادیو و تلویزیون و مانند این‌ها دانسته است، تلقی عامی که از این اصل صورت پذیرفته، به منع بخش غیردولتی از ورود به قسمت اعظم فعالیت‌های اقتصادی منجر شده است. هرچند در برنامه اول توسعه، به تعدیل اقتصادی از طریق

ج) موضع شورای نگهبان در قبال رادیو و تلویزیون خصوصی: در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲ آیت‌الله محمد یزدی با ارسال نامه‌ای نظر شورای نگهبان را درباره اصول ۴۴ و ۱۷۵ و نیز درباره اختیار مجلس شورای اسلامی در رابطه با امکان ایجاد شبکه‌های رادیو و تلویزیون خصوصی جویا شدند که آیت‌الله جنتی نظر شورای نگهبان را در این باره به شرح زیر اعلام کرد:

«تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو مغایر اصل ۴۴ است و به این جهت انتشار فراگیر (مانند ماهواره‌ها، فرستنده فیبر نوری و غیره) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صدا و سیما مخالف اصل ۴۴ است» (مهرپور، ۱۳۸۸؛ ۱۸۵-۲۰۳). در جریان تصویب اصل ۴۴ (۱۲۷ سابق) قانون اساسی در ۸ آبان ۱۳۵۸، یکی از اعضا (گلزاده غفوری) پیشنهاد حذف سازمان صدا و سیما از انحصار در این اصل را مطرح کرد و عنوان داشت: «مسئله رسانه‌های گروهی در نظام جدید را نباید در اختیار دولت بگذارید». شهید بهشتی (نایب‌رئیس جلسه)، با اعلام اینکه «رادیو و تلویزیون چیز ساده‌ای نیست و نیاز به سرمایه‌گذاری کلان دارد» بر خطر تبدیل شدن رادیو و تلویزیون ایران به شکلی شبیه رادیو تلویزیون‌های کشورهای سرمایه‌داری که با پول آگهی‌ها و تبلیغات تجاری معرفی و اداره می‌شوند، تأکید می‌کند.

غفوری در پاسخ، خواستار گشایش راه تأسیس رادیو و تلویزیون غیردولتی می‌شود و آیت‌الله مکارم شیرازی نیز با تأکید بر اینکه بین مدیریت و سرمایه‌گذاری تفاوت وجود دارد، اظهار می‌کند سرمایه‌گذاری را دولت انجام دهد و مدیریت زیر نظر مجلس باشد. اما درنهایت، متن بدون اصلاح به تصویب می‌رسد. در جلسه هجدهم شورای نگهبان قانون اساسی که در خرداد ۱۳۶۸ تشکیل

۲۳۵ ماده و ۱۹۲ تبصره تدوین شده است، تسهیل فعالیت‌های بخش غیردولتی را در رسانه‌های ارتباط جمعی به شرح ذیل در دستور کار دولت قرار داده است:

«در ماده ۱۰ دولت موظف است به منظور سامان‌دهی فضای رسانه‌ای کشور، مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه و جرایم و ناهنجاری‌های رسانه‌ای در چارچوب سیاست و ضوابط مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و فراهم آوردن زمینه بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت رسانه‌ای، اقدامات قانونی در موارد ذیل را انجام دهد:

الف) تهیه و تدوین نظام جامع رسانه‌ها تا پایان سال با رویکرد تسهیل فعالیت‌های بخش غیردولتی؛
 ب) ارتقای آگاهی و دانش همگانی، تقویت رسانه‌های ماهواره‌ای همسو و مقابله با رسانه‌های خارجی معارض» (هریسی‌نژاد و انصاری، ۱۳۹۳؛ ۲۸۶).

بررسی قوانین یادشده نشان می‌دهد که اگرچه قانون‌گذار به‌صراحت از تمایل جدی به تسهیل فعالیت‌های بخش غیردولتی در عرصه رسانه‌های ارتباط جمعی در قانون برنامه پنجم سخن می‌گوید، با این حال رادیو و تلویزیون را مقوله‌ای خاص و ویژه دانسته است که می‌باید در انحصار دولتی بماند. مسئله قابل تأمل این است که مجلس شورای اسلامی جز آنکه در هیچ مصوبه‌ای به سازوکاری برای امکان فعالیت بخش خصوصی در رادیو و تلویزیون نیندیشیده است، به تکلیف قانونی خود دایر بر تعیین خط مشی و ترتیب اداره سازمان صدا و سیما و نظارت بر آن متناسب با تغییرات مندرج در اصل ۱۷۵، پس از بازنگری این اصل در سال ۱۳۶۸ نیز کاملاً عمل نکرده است.

کاستی‌های ناشی از نبود قوانین کارآمد در این

«خصوصی‌سازی» و «آزادسازی اقتصادی» توجه شد و در برنامه سوم توسعه نیز فصل جداگانه‌ای با عنوان «سامان‌دهی شرکت‌های دولتی، خصوصی‌سازی و تنظیم انحصارات» لحاظ شد؛ به دلیل روند بسیار آرام خصوصی‌سازی، ارائه تفسیری جدید از این اصل به دستور مقام معظم رهبری در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و به تدوین سیاست‌های کلی اصل ۴۴ با استراتژی امکان حضور گسترده و فعالانه بخش غیردولتی در نظام اقتصادی کشور، خصوصاً در بخش‌های مهم اقتصادی یادشده در صدر اصل ۴۴، به پیشنهاد مجمع و با ابلاغ مقام معظم رهبری انجامید. در این ابلاغیه که با عنایت به ذیل اصل ۴۴ تدوین شده است، با وجود آنکه جهت‌گیری سیاست‌های کلی ابلاغی بر مبنای افزایش سهم بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی (ابلاغیه مورخ ۸۴/۳/۱) و تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت (ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مورخ ۸۴/۵/۱۲) است، با این همه، به امکان سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت بخش خصوصی در زمینه رادیو و تلویزیون در فراز دوم بند الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴، اشاره نشده است. در همین راستا، «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» مصوب ۸۷/۳/۲۵ نیز سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در رادیو و تلویزیون را منحصرأ در اختیار دولت گذاشته است (فراز یازدهم از بند ج ماده ۳ قانون یادشده).

این در حالی است که قانون‌گذار در ماده ۱۰ از قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۹/۱۰/۱۵ که در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ در

اقتصادی را خواهد شکست. بر همین اساس تدوین و تقویت قانون تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی توسط مجلس شورای اسلامی می‌تواند بستر قانونی لازم را برای فعالیت در این عرصه فراهم آورد. در این مسیر، تجربیات سایر کشورها، که طی دو دهه اخیر این مسیر را پیموده‌اند، بسیار راهگشا خواهد بود. هم‌زمان، پیشگام شدن نهادهای عمومی، نظیر جهاد دانشگاهی، سازمان تبلیغات اسلامی، خبرگزاری جمهوری اسلامی و سایر نهادها و بنیادهای مشابه در تأسیس شبکه‌های تلویزیونی خارج از صدا و سیما یا واگذاری برخی از شبکه‌های موجود به این نهادها می‌تواند انحصار موجود در مدیریت رادیو و تلویزیون را به تدریج رفع کند.

نکته مهم در این میان لزوم توجه به حفظ ابزار حاکمیتی برای مدیریت و کنترل شبکه‌های خصوصی است. به این ترتیب که در بخش پخش امواج و فرستنده‌های تلویزیونی می‌توان کنترل حاکمیتی را حفظ کرد تا زمینه نگرانی‌ها برای سوءاستفاده از تلویزیون خصوصی علیه فرهنگ و امنیت ملی رفع شود. لازمه تسریع در پیمودن این مسیر نیز عدم مخالفت و مقاومت مدیران سازمان صدا و سیما در برابر ایجاد و فعالیت تلویزیون خصوصی است.

مدیران صدا و سیما نباید تأسیس تلویزیون خصوصی به موازات سازمان صدا و سیما را تهدیدی برای خود و جایگاه این سازمان بدانند؛ چراکه با توجه به پیشینه و امکانات مالی و فیزیکی صدا و سیما، این سازمان در عمل رقیبی غیرقابل جایگزین برای شبکه‌های تلویزیون خصوصی خواهد بود. اما شکل گرفتن فضای رقابت و نوآوری می‌تواند موجب خلق فرصت‌ها، شناسایی نیروها و ایجاد نشاط در این عرصه شود که در بهبود عملکرد رسانه ملی نیز مؤثر

خصوص موجب شده است تا در عمل سازمان صدا و سیما بیش از اینکه در مسیر استقلال گام بردارد، در بن‌بست انحصار گرفتار آید (ساعد و کیل و عسکری، ۱۳۸۷؛ ۵۶۹). مجلس شورای اسلامی در طول تقریباً ۲۳ سال سپری‌شده از زمان بازنگری در قانون اساسی، می‌توانست با اتکا بر تکلیف قانونی مندرج در اصل ۱۷۵، ضمن تضمین استقلال سیاسی و سازمانی صدا و سیما، زمینه‌های قانونی پدید آمدن ابتکار عمل بخش خصوصی را در این عرصه فراهم آورد.

۲. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده، به نظر می‌رسد راه مقابله با موج جدید تهاجم تلویزیونی، شکستن انحصار در تلویزیون و گشودن مسیر حضور بخش خصوصی و مردمی در این عرصه است تا پتانسیل و ظرفیت به مراتب بیشتری از شرایط فعلی به ظرفیت محدود صدا و سیما برای تولید و پخش برنامه‌ها اضافه شود. طبیعی است سیاست‌گذاری، مدیریت و کنترل تلویزیون خصوصی در داخل کشور مزیت فراوانی نسبت به فضای کنونی دارد و می‌تواند روند رو به رشدی در تأمین سلايق گوناگون داشته باشد. در وضعیتی که نظام هیچ‌گونه کنترل محتوایی بر شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای ندارد و آن‌ها با ترویج انواع و اقسام ناهنجاری‌های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی با سازمان صدا و سیما در میدان ستیزه و تقابل فرهنگی هستند، این سازمان می‌تواند نیاز فزاینده و عطش فرهنگی جامعه به تنوع و تکثر برنامه‌های تلویزیونی را بدون ایجاد بار مالی انسانی و ساختاری برطرف کند. در صورت ورود بخش خصوصی به این عرصه، بازوی سازمان از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در خرداد سال ۱۳۸۴ توسط رهبر معظم انقلاب، سایر انحصارات در بخش‌های

خدمات فرهنگی به سراسر کشور و استیفای حقوق فرهنگی شهروندان است. بر اساس این ضرورت، رادیو و تلویزیون باید قادر باشد به عنوان رسانه‌ای اثرگذار، چالش‌های فرهنگی موجود را مدیریت کند. با توجه به دیدگاه‌های گوناگون و شاید متضاد در مورد تأسیس و فعالیت شبکه‌های خصوصی به نظر می‌رسد قانون اساسی فقط تکلیف سازمان موجود رادیو و تلویزیون را معین کرده است، اما نافی تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی در کنار سازمان نیست و جز در اصل ۴۴ که با سیاست‌های کلی ابلاغ شده توسط رهبر انقلاب موانع مرتفع شده است، صراحتی در قانون اساسی جهت منع فعالیت بخش‌های غیردولتی در حوزه رادیو و تلویزیون وجود ندارد.

حال با توجه به اصل ۱۷۵ آیا امکان راه‌اندازی رادیو و تلویزیون خصوصی در ایران از لحاظ قانونی و حقوقی امکان‌پذیر است؟ در پاسخ باید گفت بله امکان‌پذیر است؛ زیرا اصل ۱۷۵ قانون اساسی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را سازمانی خاص می‌داند و بر اساس این اصل، این سازمان باید الزاماً در انحصار دولت باشد. اما این بدان مفهوم نیست که هر رسانه صوتی و تصویری باید در انحصار دولت ایران باشد. راه‌اندازی تلویزیون خصوصی به صورت مجزا مغایر با قانون اساسی است؛ اما در عین حال می‌شود با حفظ بدنه صدا و سیما، این سازمان در نقش ناظر و متولی، زمینه فعالیت شبکه‌های خصوصی را در بدنه این سازمان فراهم کند و در واقع شبکه‌هایی با ساختار خصوصی راه‌اندازی شود که محتوایشان در یک سیگنال مشخص پس از نظارت و تأیید ناظران پخش صدا و سیما و از طریق تکنیسین‌های فنی و تجهیزات فنی صدا و سیما پخش شود.

ضرورت جذب مردم به سوی رسانه‌های داخلی از یکسو و پاسخ به دلایل مخالفان تلویزیون

خواهد بود. با گذشت بیش از سه دهه از تأسیس نظام جمهوری اسلامی، تبیین الگوی مطلوب نظام رادیو و تلویزیونی کشور تاکنون انجام نشده است.

واقعیت آن است که اکنون نیازهای فراوانی در حوزه رسانه‌ها، به‌ویژه در شاخه رسانه‌های دیداری - شنیداری، وجود دارد که تاکنون به آن پاسخ داده نشده است. بی‌پاسخ ماندن این نیازها به بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها، به‌ویژه گسترش روزافزون مخاطب شبکه‌های ماهواره‌ای و استفاده از محصولات فرهنگی غیرمجاز، منجر شده است. این موضوع، علاوه بر پیامدهای نامطلوب فرهنگی و اجتماعی و آثار زیان‌بار اخلاقی، دارای تأثیرات منفی فراوانی در سایر حوزه‌ها، به‌ویژه عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. به نظر می‌رسد طراحی و تبیین الگوی رسانه‌های دیداری - شنیداری کشور متناسب با اهداف نظام جمهوری اسلامی و تأمین‌کننده نیازهای کنونی جامعه و در عین حال از ضرورت‌های امروز کشور است.

فارغ از مباحث تئوریک و مبانی اسلامی الگوی مذکور، تحولات اخیر در حوزه فناوری و ظهور رادیو و تلویزیون دیجیتال نیز سهولت دسترسی به شبکه‌های ماهواره‌ای، تداوم وضعیت موجود و حفظ انحصار دولتی در رسانه‌های دیداری - شنیداری را غیرممکن کرده است. در صورت عدم توجه به تدبیر مناسب برای حل این مسئله، خلأ موجود اجتماعی در حوزه رسانه، خود به نیازهای برآورده نشده در این حوزه پاسخ خواهد داد. حفظ امنیت و منافع ملی در جوامع در حال گذار، منوط به توسعه همه‌جانبه، پایدار و موزون است. در این میان توسعه فرهنگی منوط به تعامل خرده‌فرهنگ‌های داخلی، دادوستد میان فرهنگ ملی ایرانی با دیگر فرهنگ‌ها، مدیریت چالش‌های فرهنگی موجود، بسط و توزیع کالا و

کشورهایی مثل ترکیه که طی دو دهه اخیر این مسیر را پیموده‌اند، می‌تواند راهگشا باشد. مثلاً در ترکیه قانونی جهت منع فعالیت‌های بخش خصوصی و تأسیس کانال‌های متعدد وجود ندارد، علاوه بر این، در اغلب مناطق ترکیه سیستم پخش برنامه‌های تلویزیونی از طریق کابل رایج است که در آن بسته‌های تلویزیونی، کانال‌های اغلب کشورهای اروپایی و آمریکایی قابل دریافت است.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

کلیه اصول اخلاق پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت‌نویسندگان

تمامی نویسندگان به یک اندازه در نگارش اثر مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

خصوصی از سوی دیگر ضرورت ایجاد تلویزیون خصوصی را گوشزد می‌کند. برخلاف تحلیل‌ها با تلویزیون خصوصی می‌توان افکار عمومی را بیشتر از قبل تحت کنترل درآورد و مجوز رهبری برای تغییر قوانین قانون اساسی همچون ریاست‌جمهوری می‌تواند مجوزی برای مشکلات قانون اساسی در این زمینه باشد. لیکن نظر به عزم جدی قانون اساسی در حمایت از حق آزادی بیان و حق دست‌یابی به اطلاعات و رویکرد اصل ۴۴ در پذیرش بیان آزاد مطالب از سوی مطبوعات و نیز با عنایت به مشروح مذاکرات مجلس، تدوین و بازنگری در قانون اساسی و نظر شورای نگهبان در مخالفت با ایجاد انحصار دولتی در امور اقتصادی و حاکمیتی، به قوت می‌توان راه‌اندازی رادیو و تلویزیون خصوصی را حرکتی غیرمغایر و بلکه موافق با قانون اساسی دانست؛ بنابراین شبکه‌های تلویزیونی می‌توانند از بخش خصوصی کمک بگیرند، اما امکان اینکه تلویزیون در اختیار بخش خصوصی قرار بگیرد، وجود ندارد؛ زیرا وحدت ملی ما در گرو رسانه ملی است و اگر قرار باشد در هر نقطه‌ای از کشور یک شبکه رادیو و تلویزیونی با فرهنگ‌های مختلف ایجاد شود، وحدت ملی ما دچار تشتت و تفرقه خواهد شد.

بر همین اساس پیشنهادهای ذیل ارائه شده است:

۱. تحقق تکثر رادیو و تلویزیون نیازمند تدوین و تصویب قانون خاص در مجلس شورای اسلامی است؛ بنابراین لازم است تا اقدام جدی برای تهیه پیش‌نویس قانون تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی، صورت بگیرد. ۲. نظارتی دقیق و مداوم بر عملکرد دستگاه‌های متولی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در راستای بسترسازی مناسب برای تأسیس رسانه‌های دیداری و شنیداری خصوصی انجام شود؛ ۳. توصیه به الگوبرداری از

منابع فارسی

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۶). قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی. قابل دسترس در

<https://www.mcls.gov.ir/fa/law/260>

محمدی، م. (۱۳۷۹). سیمای اقتدارگرایی تلویزیون دولتی ایران. تهران: جامعه ایرانیان.

معمدنژاد، ک. (۱۳۸۳). ویژگی‌های حقوقی رادیو و تلویزیون. پژوهش‌های ارتباطی، ۱۱(۳۹)، ۴۳-۶۸.

مهرپور، ح. (۱۳۸۸). مجموعه نظریات شورای نگهبان. تهران: دادگستر.

ویسی، ا.، یکتایار، م.، و ادهمی، ج. (۱۳۹۴). نیازسنجی تأسیس تلویزیون خصوصی ورزش در ایران و ارائه الگوی مطلوب. مدیریت ورزشی، ۷(۵)، ۷۰۱-۷۱۲.

هاشمی، س. م. (۱۳۶۹). بررسی تطبیقی و موضوعی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تحقیقات حقوقی، ۸(۸)، ۱۵۱-۲۲۸.

هریسی نژاد، ک. ا.، و انصاری فر، م. (۱۳۹۳). تحلیل موضع نظام حقوقی ایران در قبال رادیو و تلویزیون خصوصی و چالش‌های فرا راه آن. مطالعات حقوقی خصوصی، ۴۴(۲)، ۲۷۵-۲۹۱.

بهرامی، ب. (۱۳۹۶). شرایط و موانع حقوقی تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی در ایران. در: اسدی، ع.، بابازاده مقدم، ح. (مولفان)، مجموعه مقالات همایش ملی وضعیت کنونی و آینده حقوق ارتباطات و رسانه در ایران (صص. ۵۵۰-۵۵۱). تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

بهنیا، م.، و محمدعلی پور، ف. (۱۳۸۵). تأملی در ماهیت، حدود وظایف و اختیارات شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما. مجلس و پژوهش، ۱۳(۵۱)، ۱۱۹-۱۴۰.

ساعد وکیل، ا.، و عسگری، پ. (۱۳۸۷). قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۲. تهران: مجد.

شمس، ع. (۱۳۷۱). خصوصی کردن موسسات عمومی یک ضرورت است یا اجبار؟. فرآیند مدیریت و توسعه، ۶(۲)، ۴۲-۹.

صادقی، ف. (۱۳۹۲). شکست انحصار: نقش راه تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی. چاپ ۱. تهران: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران.

صدری نیا، ح. (۱۳۹۴). ارزیابی قانون و ممنوعیت شبکه‌های ماهواره‌ای: انتظارات و واقعیت‌ها. مجلس و راهبرد، ۲۲(۸۳)، ۵-۴.

ظهرابی، ف.، صابونچی، ر.، و رهام، م. (۱۳۹۱). نقش رسانه‌ها در جهاد اقتصادی ورزش قهرمانی. مدیریت و رفتار سازمانی در ورزش، ۱(۱)، ۱۳-۱۹.

عابدین پور، ا. (۱۳۹۳). داشتن صدا و سیما یک ضرورت است. قابل دسترس در

<https://www.khabaronline.ir/news/361025>

علیزاده، ح. ع. (۵۹۳۱). نقش شبکه‌های تلویزیونی خصوصی در توسعه سیاسی افغانستان [پایان نامه کارشناسی ارشد]. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

فخار طوسی، ج. (۱۳۸۵). پژوهشی فقهی در خبر و خبرگزاری. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجلس شورای اسلامی، اداره امور فرهنگی و روابط عمومی.

References

- Abedinpour, A. (2014). [Having a radio and television is a necessity (Persian)]. Retrieved from <https://www.khabar-online.ir/news/361025>
- Alizadeh, H. A. (2016). [The role of private television channels in the political development of Afghanistan (Persian) [MSc. dissertation]]. Tehran: Allameh Tabataba'i University.
- Bahrani, B. (2016). [Legal conditions and obstacles to the establishment of private radio and television in Iran. In: Asadi, A., Babazadeh Moghadam, H (Eds.), Proceedings of the National Conference: The Current and Future Situation of Communication and Media Law in Iran (pp. 550-551) (Persian)]. Tehran: Allameh Tabatabaie University Publishing. <https://b2n.ir/893629>
- Behnia, M., & Mohamadali Pour, F. (2006). [A reflection on the nature of the scope of duties and powers of the supervisory council of the radio and television organization (Persian)]. *Majlis and Rahbord*, 13(51), 119-140. <http://ensani.ir/fa/article/185618>
- Claude Wei, C. (2009). Privatization and development [M. Saffar Persian Trans]. Tehran: Atrat.
- Derieux, E. (2007). [Limits to concentration and guarantees of media pluralism in France and media pluralism in France (French)]. Retrieved from <https://dialnet.unirioja.es/descarga/articulo/2539817.pdf>
- Derieux, E. (2001). [French audiovisual law: A topical issue (French)]. *Petites Affiches*, 4-11.
- Derieux, E. (2002). [Audiovisual communication ", anti - centering device and guarantee of pluralism (French)]. *Petites Affiches*, 4-13
- Fakhar Toosi, J. (2006). [*Jurisprudential research in news and news agencies* (Persian)]. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy.
- Herissinejad, K., & Ansariipoor, P. (2014). [Analysis of Iranian legal system's position against private Radio and Television and its challenges (Persian)]. *Private Law Studies Quarterly*, 44(3), 275-291. [DOI:10.22059/JLQ.2014.51868]
- Feigenbaum, H. B. (2011) America,s cultural Challenge abroad. *Political science Quarterly*, 126(1), 107-129. [DOI:10.1002/j.1538-165X.2011.tb00696.x]
- Hashemi, S., M. (1991). [A comparative and thematic study of the revision of the Constitution of the Islamic Republic of Iran (Persian)]. *Legal Research Quarterly*, (8), 151-228. <http://ensani.ir/fa/article/213398>
- Lasswell, H., D. (1971). *The Structure And Function Of Communication In Society*, 2^d ed. Champaign: University of Illinois Press.
- Lazarsfeld, P., & Merton, R. (1971). *Mass Communication, Popular Taste and Organized Social Action*. Champaign: University of Illinois Press.
- Mehrpour, H. (2009). [*Collection of views of the Guardian Council* (Persian)]. Tehran: Dadgoštar.
- Mohammadi, M. (2000). [*The authoritarian image of Iranian slate television* (Persian)]. Tehran: Jamee Iranian.
- Motamednejad, K. [Features of the radio and television legal system (Persian)]. *Journal of Communication Research*, 11(39), 43-68. <https://www.magiran.com/paper/268449>
- Regourd, S. (2001). *Audiovisual communication law*. Paris: PUF.
- Sadeghi, F. (2013). [*Breaking the monopoly: The roadmap for the establishment of private radio and television* (Persian)]. 1st ed. Tehran: Iran Press Cultural Institute. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3207669>
- Sadrinia, H. (2015). [Evaluation of Satellite Channels' Prohibition Law; Expectations and Realities (Persian)]. *Majlis & Rahbord*, 22(83), 5-45. http://nashr.majles.ir/article_111_en.html
- Saed Vakil, A., & Asgari, P. (2009). [*Constitution in the current legal order* (Persian)]. 2nd ed. Tehran: Majd. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/2963017>
- Shams, A. (1992). [Is privatization of public institutions a necessity or a compulsion (Persian)]. *The Journal of Management and Development Process*. 6(2), 42-9. <http://jmdp.ir/article-۱-۵۶۶-fa.html>
- The Parliament of Iran. (1985). [*Detailed minutes of the parliamentary deliberations on the final review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran* (Persian)]. Tehran:

The Parliament of Iran, Department of Cultural Affairs and Public Relations. <http://www.majlesekhobregan.ir/fa/MashroheMozakerat.html>

The Parliament of Iran. (2008). [General Policy Implementation Law Article 44 of the Constitution (Persian)]. Retrieved from <https://www.mcls.gov.ir/fa/law/260>

Veisi, E., yektayar, M., & Adhami, J. (2015). [Launching a private sports tv channel in iran: Needs analysis and model development (Persian)]. *Journal of Sport Management*, 7(5), 701-712. [DOI:10.22059/JSM.2015.56756]

Zohrabi, F., Sabonchi, R., & Raham, M. (2012). [The Role of Media in The Economic Jihad of Athletic (Persian)]. *Journal of Management and Organizational Behavior in Sport (JMOBS)*, 1(1), 13-19. http://jmobs.azad.ac.ir/article_510849.html